

دور از بودا
حک کروآکی
ترجمه: فرید قدمی

www.ketab.ir

سرشناسه: کروآگ، جک، ۱۲۲، ۱۹۶۰
عنوان و نام پدیدآور: دور از بودا / جک کروآگ

مترجم: فرید قدمی، ۱۳۶۴ -

مشخصات نشر: تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: [۸۰]ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۴-۴۴۱-۸

موضوع: شعر آمریکایی

رده بندی کنگره: PS۳۵۳۱ / ر ۹۵۹ ۱۳۹۶

رده بندی دیویی: ۸۱۳ / ۵۴

شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۷۵۶۴۵

فصل پنجم / ناشر تخصصی شعر

دور از بودا/ جک کرواک/ ترجمه: یزدی قدمی

چاپ اول: ۱۳۹۶/ شماره: ۰۰/ نسخه

طراح جلد: گروه طراحان رایج

شابک: ۷۸-۶۰۰-۳۰۴-۴۴۱-۸

صندوق پستی ناشر: ۱۳۱۴۵-۴۵۱

مرکز پخش: میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه مهدی زاده، شماره ۴ واحد ۱۰

تلفن: ۶۶۹۰۹۸۴۷-۶۶۹۰۹۸۴۸ تلفکس: ۰۹۱۲۱۵۹۱۸۹۱

fasle5.1385@gmail.com

www.Fasle5.ir

instagram:fasle5

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست

- پیشگفتار مترجم ۹
- داستان جک کرواک ۱۳
- هایک های اریکایه ۱۷
- هایکوهای نرست پو ۲۷
- چند هایکوی غریب از کتاب «هایکو» ۳۷
- هایکوهای دیگر از مجموعه های کاهل هایکوها ۵۱

واژه‌ی بیت (Beat) را کرواک برای نخستین بار در اشاره به دوستان هم‌نسلش، هم‌نسل‌های نسل کسیدی که شیوه‌ی زیستنی یکسره نامتعارف را برگزیده بودند و در خیابان‌ها و جاده‌های خوش‌گذرانی خودشان بودند، به کار برد؛ اما پس از انتشار رمان «در جاده» این واژه دیگر به نام جاودانه‌ی نسلی بدل شد که با آثار رادیکال و نامتعارف‌شان محافل ادبیات آمریکا پدید آوردند.

آلن گینزبرگ در کنار ریچام روز و جک کرواک مثلث نسل بیت را تشکیل می‌دهد؛ نسلی که، گذشته از سن‌ها و سبک‌های عظیم ادبی‌اش، دست‌کم برای دو دهه تأثیر بسیاری بر فضای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آمریکا و حتا اروپا گذاشت. ویلیام باروز با رمان شگفت‌آور «ناهار لخت» و آلن گینزبرگ با شعر شاهکار بلندش «زوزه» به همان شهرت و اعتباری رسیدند که راک با انتشار «در جاده» رسید. در کنار این سه، می‌شود از چهره‌های دیگر نسل بیت نیز حرف زد، که هر کدام‌شان حرف‌های تازه‌ای برای زدن داشتند: گری سائو، ر. ب. اورلوسکی، مایکل مک‌کلور، لارنس فرلینگتی، گریگوری کورسو، امیری «ماراکا» ریچارد براتیگان، نیل کسیدی، و ...

هسته‌ی اصلی نسل بیت در اواخر دهه‌ی ۱۹۴۰ با دوستی کرواک، باروز، کسیدی و گینزبرگ شکل گرفت؛ آن‌ها به ادبیاتی نو فکر می‌کردند؛ حاوی ارزش‌هایی

نو که امریکای ملال آور بعد از جنگ جهانی دوم را دگرگون کند. اما نسل بیت در ادامه با رنسانس ادبی سن فرانسیسکو پیوند می خورد و چهره های دیگری به آن می پیوندند. روز جمعه، هفدهم اکتبر ۱۹۵۵، گالری سیکس سن فرانسیسکو شاهد شعر خوانی پنج شاعر جوان است که این شعر خوانی به ناگاه به رنسانسی ادبی، فرهنگی در سراسر امریکا بدل می شود و آلن گینزبرگ، گری اسنایدر، یکا مک کلور، فیلیپ والن و فیلیپ لامانتیا در آن شب تاریخی شعر می خوانند. کروآک در عصر دوم رمان «ولگردهای دارما» ماجرای آن شب را باز می گوید، الواه گلدبوک همان آلن گینزبرگ است که شعر «زوزه» (گریه) را می خواند و جافی رایدر هم نام معاصر گری اسنایدر است.

«به هر حال، همه ی از یاد می شاعران عربده کش را که آن شب در سیکس گالری شعرهای شان را می خواندند، نبال کردم، که بین همه ی چیزهای مهم دیگر، آن شب، شب تولد رنسانس ادبی سن فرانسیسکو بود. همه آنجا بودند. شب دیوانه واری بود. من همان یارویی بودم که آن ور و آن ور می رفتم و می پریدم و سکه های ده سنتی و بیست و پنج سنتی از جیبم بیرون می آوردم و خشک و رسمی ای که دور ایستاده بودند در گالری جمع می کردم و با سه یا چهار تن از بزرگان بورگونی کالیفرنیا بر می گشت و می رساند به همه، تا اینکه ساعت یازده شب الواه گلدبوک داشت شعرش را می خواند، گریه می کرد شعرش را، گریه، مست با دهان دهنده و همه فریاد می زدند: «ادامه بده، ادامه بده، ادامه بده!» (مثل یک بداد سوازی جز) و رینهولد کاکوئیتس پیر، پدر شعر فریسکو، از خوشحالی اشک می ریخت. جافی شعرهای آخرش را درباره ی کایوت، ایزد سرخپوستان فلات امریکای شمالی

«فکر کنم»، خواند، دست کم ایزد سرخپوست‌های شمال‌غربی، کوآکیوتل، یا یک چنین چیز.

«لعنت به تو، کایوت رو خوندی و زدی به چاک!»

جافی برای شنوندگان ممتازش می‌خواند، همه‌شان را از فرط لذت به زوزه کشیدن واداشت. «مشر بود»

آلن گینزبرگ در دانشگاه کلمبیا با دانشجوی نابغه‌ای به نام لوشین کر آشنا شده بود و همواره که ربرگ را با باروز و کرواک آشنا کرد. «بصیرت نو» بی‌که لوشین کر به تأسی از بلیک باتلر بیتس از آن سخن می‌گفت، تأثیر بسیاری بر شاعران و نویسندگان بیت داشت. لوشین کر به پیامبر بی‌کتاب بیت مشهور است، چراکه شاید بدون او نسل بتی رکار نبود، اما خودش چیزی منتشر نکرد و پس از آن‌که مدتی را در زندان بجرم قتل سه‌پری کرد، برای همیشه با شاعران و نویسندگانی که دوستان سابقش بودند وداع گفت و از آلن گینزبرگ نیز خواست که نام او را از صفحه‌ی تقدیم چاپ نخست «زوزه» بردارد.

نیل کسیدی چهره‌ی مرموز دیگر نسل بیت بود. «نوشتا، هم به خودی» که نیل در نامه‌هایش از آن استفاده می‌کرد الهام‌بخش کرواک برای دگرگونی سبکش بود. نیل، به واسطه‌ی تأثیرش بر کرواک، بر دو رأس دیگر مثلث نسل بیت نیز تأثیر بسیاری گذاشت؛ نوشتار خودبه‌خودی که کرواک در «در جاده» و «بگمای دارما» بنیان گذاشت و در آثار بعدی‌اش هم دنبال کرد، الهام‌دهنده‌ی آلن گینزبرگ در شعر «زوزه» و ویلیام باروز در رمان «ناهار لخت» بود. اما باروز به تکنیک «Cut-Up» که میراث دادائست‌ها بود، نیز روی آورد و غنای دوچندانی به

آن بخشید. آن چنان که بسیاری از نقاشان پاپ، نویسندگان و موزیسین‌هایی همچون جان کیج و فیلیپ گلس نیز از سبک باروز تأثیر پذیرفتند. تأثیر نوشتار و اندیشه‌های باروز در آثار نویسندگان و متفکرانی همچون ژیل دُلوز، کتی آکر و جی. جی. بالارد نیز قابل پی‌گیری است.

باروز گینز برگ تمایلات سیاسی چپ داشتند؛ اما کرواک می‌گوید که مثل جویس کاری به کار سیاست ندارد. وقتی در اواسط دهه‌ی ۱۹۶۰ جنبش دانش‌ویو پیچیدگی جنبش سیاهان و دیگر جنبش‌های اجتماعی جوانانی که به شدت بر آثار سیاست متأثر بودند، امریکا را به آشوب می‌کشند و در ۱۹۶۸ این آشوب با تسخیر دانشگاه کلمبیا به اوج خودش می‌رسد، کرواک می‌گوید این رفتارهای افراطی نمی‌بینند و نمی‌خواهد با کشوری که میزبان او و خانواده‌اش بوده بد تا کند، اما باروز و گینز برگ از چهره‌های اصلی می‌۶۸ و جنبش ضدفرهنگ‌اند. این گونه است که کرواک در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ کم‌کم از نسل بیت فاصله می‌گیرد و هرچه بیشتر به آغوش کاتولیسم، افسردگی و الکل پناه می‌برد؛ مرگ او نیز به معنای دقیق کلمه نسل بیت بود.



کتاب حاضر گزیده‌ای است از هایکوه‌های جک کرواک شامل برخی کوتاهی‌ها که پیوند او را با تفکر شرقی، و به‌ویژه ذن بودیسم، نشان می‌دهد. همچنین که نشان‌دهنده‌ی پیوند او با هنر پاپ نیز هستند.